

بایسته های حق دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتو قواعد حقوق بین الملل بشر و نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمدعلی کرمی^۱ خیراله پروین^{۲*} محمد جواد رضایی زاده^۳

چکیده

بایسته های حقوقی واکنش های الزام آوری است که از طریق سیستم، نسبت به فعل و یا ترک فعل، بستر ساز ضمانت اجرای هنجارهای حقوقی در قلمرو داخلی و بین المللی می گردد. به عبارتی می توان گفت ضمانت اجرا یعنی واکنش سیستم نسبت به قاعده حقوقی، استفاده از حربه سانسور و فقدان آزادی های سیاسی در بسیاری از جوامع، بستر بروز و ظهور انواع سانسور را فراهم نموده و همچنین شیوه های سلبی رفتار دولت ها با مردم عامل ایجاد سد اسرارگرایی در اداره جامعه گردیده. محروم نمودن مردم از حق دسترسی آزاد به اطلاعات از روش های نظام های سیاسی در گرایش روز افزون به محدودیت دموکراسی است، در این پژوهش پرسش این است که نقش حقوق بین الملل بشر و حقوق اساسی ایران بر توسعه حق دسترسی آزاد به اطلاعات از منظر این دوگانه حقوقی چیست؟ مطابق پرسش مطرح شده، فرضیه این پژوهش آن است که با طرح جایگاه دسترسی آزاد به اطلاعات، از طرفی با تبیین سنجه های حق بشری در نظام حقوق بین الملل بشر و از سوی دیگر اهتمام موشکافانه در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، الزامات ناظر بر حق دسترسی آزاد به اطلاعات را در دو قلمرو بین المللی و داخلی مورد مطالعه قرار دهد. دور اندیشی در اسناد حقوق بین الملل بشر نسبت به حق ها و آزادی های انسان از آنجا ناشی می شود که وسیله تولید، دسترسی و انتقال اطلاعات محدودیتی در زمان و مکان ندارد و این یعنی ابزار دسترسی، دارا ماهیتی دینامیکی است.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل، حقوق اساسی، دسترسی به اطلاعات، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* khparvin@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهل و سه، صص ۳۴۶-۳۱۷

مقدمه

حقوق بشر، این آرمان مشترک انسانی، از برکت تعالیم پیامبران الهی، فلاسفه، خردمندان و خداوندان اندیشه‌های سیاسی از یک سو و پس از انقراض تدریجی حکومت‌های تباه کار و جباران از سوی دیگر، جامعه را به تلاش و تکاپو واداشت؛ از سوی دیگر ماهیت وجودی خلقت بشر به گونه‌ای است که فطرت انسان؛ او را به تلاش در مسیر احقاق حق رهنمون می‌سازد، از این جهت است که بشریت و حق، همواره هم‌پای تاریخ پیش می‌روند و هر دو در این فرآیند با تاثیر فزاینده بر جوامع، مسیر آینده پیش رو را هموار نموده و جلوه‌های بدیعی از خود به‌جا نهاده‌اند. شکی نیست که ارکان آگاهی‌بخش و نظام‌یافته در قلمرو هر کشور همواره در معرض تهاجم دشمنی بنام سانسور است، سانسور، با مسدود سازی راه‌های متعدد دستیابی انسان‌ها به علم و آگاهی و ترویج آن، نظیر موریانه، از درون، موجب اسباب سقوط دولت‌ها می‌شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر سند مشترکی در بین ملت‌ها است که در آن شناسایی ذاتی کلیه خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان به عنوان اساس آزادی، عدالت و صلح مورد توجه، و اصول برابری، منع تبعیض، آزادی، امنیت و برخورداری از حقوق گوناگونی که در شأن همه انسانها است مورد تاکید قرار گرفته است. با مطالعه و تأمل درگذر تاریخ، ملاحظه می‌شود که هر میزان که اسباب اجتماعی شدن بشر و توزیع قدرت با خلأ دموکراسی مواجه گردیده، بستر شکل‌گیری حکومت‌های توتالیتر محقق شده است. این مدعا را امروزه و به عینه می‌توان در شکاف ژرف بین کشورهای توسعه یافته و جوامع جهان سوم مشاهده نمود. تفاوت ژرفی که از رهگذر سر فرود آوردن دولت‌ها در برابر ابزار دموکراسی، با ترکیبی از جنس قواعد داخلی و بین‌المللی محقق شده است. در ادامه این مبحث و طرح بهره‌مندی از دموکراسی است که نیاز بشر به آزادی اطلاعات متجلی می‌گردد. از آنجایی که بشر ذاتاً مخلوقی جستجوگر است، قطعاً نمی‌تواند در مسیر دستیابی به اطلاعات و ابزارهای آن با محدودیت‌های گوناگون مواجه شود، نظر به اهمیت این حق اساسی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با حمایت از معاهدات و کنوانسیون‌ها، دولت‌های عضو را ملزم می‌نماید تا در تصویب قوانین داخلی مرتبط با حقوق بشر، همواره معاهدات پذیرفته شده بین‌المللی را نصب العین قرار دهند.

به دلیل ماهیت برخی جوامع، بسیاری از تعهدات اغلب کشورهای عضو سازمان ملل - متحد در اجرا، یا مسکوت است و یا اینکه بصورت ناقص و ناقض کنوانسیون‌ها، به مرحله اجرا در می‌آید و این ترک فعل از سوی دولت متعهد، جفای بزرگ در حق بشریت است. بسیاری از این سرپیچی‌ها در اجرای معاهدات از سوی دولت‌ها، ناشی از حقوق اساسی کشورها می‌باشد. تردیدی نیست که قانون اساسی هر کشور تعیین‌کننده اصول و بنیان اداره هر حکومتی است. با اتکا به این امر چنانچه در حقوق اساسی کشورها، موضوع توجه به حقوق ملت در گرداب تعبیر و تفسیر نهادها واقع شود، بدون تردید ترویج اسرارگرایی را به همراه خواهد داشت. در این پژوهش پرسش این است که نقش حقوق بین‌الملل بشر و حقوق اساسی ایران بر توسعه حق دسترسی آزاد به اطلاعات از منظر این دوگانه حقوقی چیست؟ مطابق پرسش مطرح شده، فرضیه این پژوهش آن است تا با طرح جایگاه دسترسی آزاد به اطلاعات، از طرفی با تبیین سنجه‌های حق بشری در نظام حقوق بین‌الملل بشر و از سوی دیگر اهتمام موشکافانه در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیر تحول و تطور الزامات ناظر بر حق دسترسی آزاد به اطلاعات را در دو قلمرو بین‌المللی و داخلی مورد مطالعه قرار دهد، از این رو در ابتداء با ورود به ماهیت حق دسترسی آزاد به اطلاعات و سپس ترتیبات ورود آن در قواعد حقوق بین‌الملل بشر و در ادامه به روند پذیرش آن در حقوق اساسی ایران خواهیم پرداخت.

۱. رهیافت نظری: حق دسترسی آزاد به اطلاعات

حق دسترسی آزاد به اطلاعات یکی از اصول بنیادین حکومت‌های مردم سالار و از مصادیق مهم نسل اول حقوق بشر و تضمین‌کننده حقوق شهروندی است. در واقع این حق امروزه به عنوان زیربنای حقوق فردی و اجتماعی مطرح و موجب تحقق کرامت انسانی، مشارکت عمومی، عدالت اجتماعی و همچنین شفافیت در ارکان حکومت می‌شود (اخوان، ۱۳۹۹: ۵). در مباحث مربوط به تحلیل ارکان دموکراسی؛ از آزادی اطلاعات به تعبیر گروهی از اندیشمندان به عنوان اکسیژن دموکراسی یاد شده است. چرا که بدون دسترسی به اطلاعات امکان آزادی بیان فراهم نخواهد شد؛ و همین نقیصه در ساختار نظام‌های سیاسی آغازی است بر پایان انواع آزادی‌هایی که بصورت ذاتی در

زمره حقوق بشر است. علی‌رغم تأکید اسناد بین‌المللی بر حق آزادی اطلاعات، ارزش این آزادی تا حدی است که عنصر اصلی مردم سالاری بوده و به عنوان رکن مهم چهار ارزش بنیادین قواعد نوین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی شناخته شده است (رهایی، ۱۳۸۹: ۱۸). دولت‌ها همواره در اطلاعات و دانش دست‌کاری کرده و برای ترغیب مردم یا وادار کردن آنان به هم‌رأیی، تکنیک‌های گوناگونی را به‌کاربرده‌اند. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند آزادی کامل اطلاعات را تحمل کند. برای زندگی اجتماعی تا حدی پنهان‌کاری لازم است. آزادی اطلاعات به معنای از بین رفتن کامل حریم زندگی خصوصی است. (تافلر، ۱۳۷۵: ۳۷۱-۵۶۷).

۱-۱. تعریف آزادی اطلاعات

از آنجایی که اقشار مختلف جامعه و بویژه دانشگاهیان و پژوهشگران، به دنبال تثبیت این حق هستند، با تأمل در تعاریف مربوط به آزادی دسترسی به اطلاعات این‌گونه استنتاج می‌گردد که عموم تعاریفی که با رویکردهای مختلف بیان می‌شود به نوعی برگرفته از ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. طبق ماده ۱۹ این سند که الزام اخلاقی بر آن متصور است، آزادی موصوف شامل توانایی جستجو، انتقال، انتشار و دریافت آزادانه آگاهی‌ها و اندیشه‌ها است. از مجموعه مطالعات در نظریه‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی در ارتباط با تعریف آزادی اطلاعات به دو معنی زیر می‌توان دست یافت:

۱-۲. معنی عام

تعریف از منظر دکترینی که مبتنی بر دیدگاه موسع آزادی اطلاعات است: این دیدگاه محدودیتی برای دسترسی آزاد به اطلاعات قائل نمی‌باشد، بگونه‌ای که کسب و انتقال هرگونه داده در فرآیند سیاسی اجتماعی جامعه، با این رویکرد به شکل آزادانه می‌تواند دست‌یافتنی باشد قطعنامه شماره (۱) ۵۹ سال ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، عرصه آزادی اطلاعات با چنین رویکردی این اصل را متضمن حق جمع‌آوری، انتقال و انتشار اخبار در هر مکانی دانسته است.^۱

1. Calling of an international conference on freedom of information (Resolutions Adopted by The General Assembly During). Its first Session, No, 59(1), Retri July 22, 2012, From, <http://daccess-ddsny-Un.org>

۳-۱. معنی خاص

تعریف از منظر دکترینی که مبتنی بر دیدگاه مضیق آزادی اطلاعات است: هرچه از زمان طرح حقی بنام آزادی اطلاعات، فاصله گرفته و گذشته است، دولت‌ها به تحدید گستره آزادی اطلاعات پرداخته‌اند، در واقع آزادی اطلاعات را دولتی نمودند، گویی هر آنچه به انحصار دولت‌ها درمی‌آید، بیشترین آسیب از ناحیه آن حوزه به جامعه وارد می‌شود. با این رویکرد، آزادی اطلاعات صرفاً اموری را در بر می‌گیرد که در ید قدرت مؤسسات دولتی قرار دارد و تنها اختصاص به کسب اطلاعات، فارغ از انتشار و انتقال است و همان‌گونه که ذکر شد، اطلاعاتی را شامل می‌شود که در اختیار دولت یا مؤسسات عمومی هستند. در کنوانسیون دسترسی به مدارک رسمی که در سال ۲۰۰۹ میلادی در «ترمسو»^۱ نروژ، توسط شورای اروپا تهیه شد، این نهاد، در معنای دسترسی به مدارک نگهداری شده نزد مقامات دولتی منحصر شد.^۲ با ابتناء بر تعریف شورای اروپا، دسترسی به اطلاعات عبارت است از حق اعتباری اشخاص به اطلاعاتی که در اختیار نهادهای دولتی باشد.^۳

۴-۱. مفاهیم و مبانی آزادی اطلاعات

مهمترین و پایه‌ای‌ترین موضوع در هر پژوهشی برای ورود به مدخل بحث، مرور مبانی و مفهوم آن است تا بتوان از این طریق به چرایی موضوع پرداخت، در مورد آزادی اطلاعات نیز لازم است بصورت خلاصه به مفاهیم این بحث پرداخته شود. روند فزاینده مدرنیسم موجب گردیده بشر امروزی بیش از همیشه به اطلاعات و تبعات آن نیاز و گرایش پیدا نماید. از این رو، این که عصر فعلی را عصر انفجار اطلاعات می‌نماند خیلی بی‌راه نمی‌باشد.

تردیدی نیست که با ورود فناوری اطلاعات، شیوه‌های سنتی حکومت‌داری به چالش کشیده شده و مطالبات و توقعات شهروندان برای کسب اطلاعات را بیش از گذشته بالا

2.Termoso.

3.council of Europe convention on Access to official Documents,No,205,Ret mey 3,2014 ,from:<http://www.conventions.co.e.int/treaty/commun/cherchsing.asp?Nt=8Df=3/05/2014d=ENG>

4.Right to information,Birkinshaw,patrik.freedom of information(The Lawe,the practice and The Ideal),cambridge university press,fourth Edition(2014)

برده است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶: ۶۱). بالا رفتن سطح توقع و ایجاد مسئولیت ژرف حقوق‌دانان، ناشی از همین تحولات عصر اطلاعات و تاکید بر دستیابی به دستاوردهای آزادی اطلاعات است و مطالباتی چون آزادی بیان، آزادی مطبوعات، و آزادی اطلاعات توسط اندیشمندان علم حقوق ناشی از همین مسئولیت می‌باشد.

۱-۵. مبانی آزادی اطلاعات

همان‌گونه که اشاره شد پاسخ به چرایی مباحث و موضوعات، نقطه شروع رسیدن به اهداف و آشکار نمودن حلقه مفقوده هر پژوهشی است، از این رو لازم است مشخص گردد اساس شکل‌گیری آزادی اطلاعات حول محور کدامیک از بایسته‌های مورد نیاز بشری در این زمینه شکل گرفته و راه‌گشای موانع و توسعه این حق و آزادی در جوامع می‌شود؟ اهم مواردی که در سازوکارها و ساختار حکمرانی مطلوب می‌تواند به‌عنوان مبانی آزادی اطلاعات پایه‌گذار این حق باشد را در ادامه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

۲. آثار آزادی اطلاعات بر تحقق آزادی بیان و دسترسی به رسانه‌ها

روند اعمال نظر حکومت‌ها و دولت‌ها بیان‌گر آن است که آحاد جامعه نمی‌توانند بطور مستقیم به رسانه‌ها دست پیدا نمایند، اهمیت دسترسی مستقیم را نباید نادیده گرفت و بهتر است به مردم این اجازه داده شود تا بطور مستقیم به اطلاعاتی که می‌خواهند، دسترسی داشته باشند. این دسترسی باید با کم‌ترین هزینه و در سریع‌ترین زمان ممکن محقق گردد (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۰). صداقت در ارائه اطلاعات، اعتماد سوزی را از بین خواهد برد، در نتیجه موجب اعتماد بیش از پیش مردم نسبت به بازی‌گردانان عرصه رسانه می‌شود، این روش نکوهیده همیشه در بین اصحاب قدرت در هر حوزه‌ای وجود داشته است که دایره تمایل به ارائه خدمت سریع و سالم را به شدت محدود می‌سازند، لازم است با چارچوب‌گذاری منطقی نسبت به ارائه اطلاعات مورد نیاز مردم از طریق نهادها و موسسات ذیربط اقدام بایسته صورت پذیرد و ضریب اعتماد مردم به رسانه‌ها را افزایش دهند.

۳. استمرار نظارت مردم بر اعمال حکومت از طریق افزایش آگاهی

آنچه بیش از همه قابل بیان است این که، موضوع آزادی اطلاعات بیش از همه مؤسسات دولتی و بخش‌های عمومی را در بر می‌گیرد و بسته به نوع خواست مردم باید این اطلاعات و اسناد در اختیار آنان قرار گیرد جز در موارد استثناء (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۳). امروزه صرف نظراز پژوهش‌های علمی که طیف گسترده‌ای از اساتید دانشگاه‌ها، مجامع علمی و دانشجویان را در بر می‌گیرد؛ بخش وسیعی از مردم به دنبال یافتن اخبار و اطلاعاتی در رابطه با عملکرد دولتمردان در بخش‌های سیاسی و غیره می‌باشند. شاهد بر این مدعا پیام‌ها و اسناد دست به دست شده در شبکه‌های مجازی توسط کاربران است که به نقد و یا تایید عملکرد بازیگردانان این عرصه‌ها می‌پردازند، و این طبیعی است که با بالارفتن سطح آگاهی مردم در زمینه اطلاع از نقاط ضعف و قوت عناصر اجرایی در هریک از قوای سیاسی کشور؛ با بدست آوردن اطلاعات مطلوب و غیرگزینشی می‌توانند با ارائه نظرات خود به افزایش و بهبود بخشیدن عملکرد مسئولین کمک نمایند، نتیجه آن می‌شود که از این طریق از سست شدن پایه‌های ارکان هر حکومتی، توسط مردم آگاه، مشارکت جو و ناظر، پیش‌گیری، و این اقدام بهترین سرمایه‌گذاری در جهت بهبود اداره امور هر کشوری که عملکرد آن مبتنی بر ارکان دموکراسی باشد خواهد بود.

۳-۱. تأثیرگذاری بر شفافیت حکومت

در کشورهای توسعه نیافته یکی از عواملی که موجب فاصله گرفتن قاطبه شهروندان از هم‌نوایی با دولت‌ها می‌باشد عامل‌گرایش به اسرارگرایی حکومت‌ها است، این عمل به تدریج و در طی زمان به جایی می‌رسد که محرمیت مردم از حیز انتفاع ساقط و در مقابل، فرهنگ اسرارگرایی در لایه‌های حکومت رسوخ می‌نماید، رخوت، سستی و فاصله گرفتن از تصمیم در گرایش به سیاست، بین مردم عمومیت می‌یابد تا جایی که با مشاهده برخی خسارت‌ها از طریق اعمال انواع فساد حاکمیتی، مردم صرفاً نظاره‌گر هستند و به دلیل بی تفاوتی محض و خستی بودن، هرگونه عکس‌العملی را در خود ساقط می‌بینند. آزادی دسترسی به اطلاعات با ایجاد اعتماد به نفس در عموم شهروندان و سهم دانستن خود در نظارت بر امور حاکمیتی این فرصت را به مردم می‌دهد تا با شرکت فعال در امور سیاسی و اتکا بر اراده تأثیرگذار خود، فضای مشارکت‌پذیری را

احیا نمایند. زیرا یکی از شروط اساسی، اراده اشخاص است که این اراده، برای ایجاد جامعه مردم سالار نقش حیاتی دارد (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۴).

۲-۳. پاسخگو نمودن دولت‌ها

از شاخص‌های حکمرانی مطلوب پاسخگویی دولت‌ها و حکومت‌ها است. این پاسخ-گویی در حوزه‌های مختلف عملکرد دولت عینیت می‌یابد، قطعاً هریک از تصمیمات نسنجیده و محاسبه نشده دولت می‌تواند بر زندگی روزمره مردم اثرات جبران ناپذیری داشته باشد، در نتیجه این پیام را با خود به همراه خواهد داشت که شهروندان در مسیر زندگی خود توانایی و حق تغییر شرایط را ندارند، زیرا ارکان دولت به اراده مردم وقعی نمی‌گذارند، از این جهت است که دسترسی به اطلاعات محصور گشته و مردم به سادگی امکان دستیابی به اطلاعاتی که بتواند پاسخ‌گوی پرسش‌های جامعه باشد را در اختیار ندارند، در آن صورت ادعای دموکراسی در چنین جامعه‌ای بسیار عبث می‌نماید؛ چرا که بیان ادعای حکومت مردم‌سالار یا دموکراتیک، اعم از دینی و غیر آن، لازمه‌اش مشارکت مردم در اداره و راه بردهای هر نظام سیاسی است.

۳-۳. پیش‌گیری از فساد

موریانه فساد عموماً در جوامع توتالیتر به شدت در لایه‌های مختلف نظام رسوخ نموده و به دلیل عدم مشارکت مردم، به تدریج و از درون موجب فروپاشی این‌گونه نظام‌ها می‌گردد. شفافیت در عملکرد اقتصادی دولت‌ها و ارائه اطلاعات در ارتباط با هزینه کرد بودجه عمومی دولت در سر فصل‌های تعریف شده، اعتبار دولت و اعتماد مردم را افزایش می‌دهد. عدم اطلاع کافی توسط مردم، عاملان فساد در بخش‌های خرد و کلان را در دایره امنیت قرار می‌دهد و این‌گونه است که فساد در سطح کلان توسط رؤسای دولت، وزیران و کارمندان عالی‌رتبه و فسادهای خرد از سوی کارمندان جزء مانند افراد پلیس و مأموران گمرک انجام می‌گیرد (اسدی، ۱۳۹۱: ۲۱). آزادی اطلاعات و سهولت در دسترسی به آن علاوه بر اینکه عامل شفافیت عملکرد دولت‌ها است گام مهمی در جهت مبارزه با فساد را با خود به همراه دارد.

۳-۴. آزادی اطلاعات در پرتو الزامات حقوقی

در پشتوانه هر اصل الزام آوری تضمین و ضمانت اجرا وجود دارد. به عبارتی ضمانت اجراء؛ واکنش سیستم به قاعده حقوقی است، این الزام می‌تواند در قالب قواعد حقوق اساسی یک کشور تعریف، تفسیر و به مرحله اجرا گذاشته شود، یا اینکه با استناد به قواعد و تضمینات حقوق بین‌الملل که بر اساس آن، دولت‌ها خود را موظف به عمل به-تعهدات در برابر سازمان‌های بین‌الملل نموده‌اند مدنظر قرار گیرد.

الزام دولت‌ها در حقوق بین‌الملل را می‌توان اخلاق نامید، اخلاق در کنار عدالت از مهم-ترین عوامل الزام دولت‌ها به عمل به تعهدات بین‌المللی است. کوتاه سخن اینکه؛ اول رعایت موازین حقوق بشر در عرصه داخلی و دوم پای بندی دولت‌ها به الزامات جامعه بین‌الملل، شرط عضویت دولت‌ها در جامعه بین‌المللی است و همین‌ها منشأ الزام به حقوق بین‌الملل است (تسون^۱، ۱۹۵۰: ۱۳). امانوئل کانت می‌گوید التزام به حقوق بشر و نظام نمایندگی یا جمهوری (در سطح داخلی) و صلح و امنیت بین‌المللی (در سطح خارجی) اساس «همبستگی بین‌المللی» براساس دموکراسی و عدالت است که همه دولت‌ها ملزم به رعایت آن هستند. (تسون، ۱۹۵۰: ۱۳).

۳-۵. الزامات و حمایت‌های حقوق بین‌الملل بشر

مطالعه حقوق بین‌الملل بشر همواره حکایت از آن دارد که حق‌های بشری را در کالبد حقوق بین‌الملل تضمین کنند. این حقوق برای تمامی انسان‌ها است؛ لیکن همین معادله روایت کننده آن است که در کمال ناباوری و تأسف این‌حق‌ها در برخی کشورهای جهان بعنوان تضمین کننده حقوق بسیاری از انسان‌ها محقق نگردیده. نهادهای حقوق بشر سازمان ملل، در اصل براساس معاهدات بین‌المللی متعدد در زمینه حقوق بشر، مسئول نظارت بر ایفای تعهدات دولت‌ها در قبال تمامی انسان‌ها هستند که حقوق بشر حقوق ذاتی و لاینفک آنها است و در عین حال در زمینه تحقق حقوق بشر به دولت‌ها کمک می‌کنند (پی‌سودی، ۱۳۹۸: ۲۱). مسئولیتی که بر عهده دولت‌ها می‌باشد اهمیت بسزایی دارد، زیرا اصلی‌ترین مسئولیت در تحکیم حقوق بشر و حمایت از اجرای آن بردوش دولت‌ها است. در واقع مسئولیت نظارت بر فعالیت نهاد های دولتی / ملی و ارائه

۱. Teson.

توصیه های مقتضی در راستای تضمین برخورداری همگان از حقوق بشر به سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل محول گردیده است (پی‌سودی، ۱۳۹۸ : ۲۲). این نکته قابل ذکر است که اکثر موافقت نامه‌های بین‌المللی به لحاظ شکلی و ماهوی عموماً حامی منافع مشترک دولت‌ها است. اما در مورد حقوق بشر این‌گونه نیست، در این بخش از حقوق بین‌الملل، مبنای تمامی معاهدات، حقوق فطری و اشتراکات انسان‌ها در گوشه و کنار جهان است. این حقوق را می‌توان فراتر از منافع ملی دانست و می‌توان - گفت منافع ملی در کالبد حقوق بشر نهفته است. در این میان سازمان‌ها و کنوانسیون‌ها برای صیانت از حقوق و منافع بشری می‌تواند نقش شایسته‌ای ایفا نماید (شایگان و دیگران، ۱۳۹۰ : ۳۶۹-۳۸۴).

۴. تعریف حقوق بشر

در مطالعه اندیشه‌های کهن تاریخی، اصطلاح حقوق بشر به مفهوم امروزی جایگاهی ندارد. اگرچه حقوق بشر همواره همراه انسان بوده است، اما این حقوق را نمی‌توان مختص به تمدن مشخصی در طول تاریخ دانست. با سیر در ادبیات، عرفان، عقاید و مذاهب مختلف مشاهده می‌شود دعوت به برابری و برادری و نوع دوستی، یکی از اصول اولیه آن اندیشه‌ها بوده است (بسته‌نگار، ۱۳۸۵ : ۱۱). درحقیقت نگاه اندیشمندانه فیلسوفان زمان به حقوق انسان نگرش به حق انسان استعلایی است. انسان استعلایی، انسان حقوق بشری است که در آن هویت وی معطوف به مجموعه‌ای از دلالت‌های متافیزیکی یا الهی و یا سایر عرضیات نیست. وقتی که در حقوق بشر گفته می‌شود همه «انسان‌ها» یا «هرکس»، «هرکس» وجود خارجی ندارد و هرکس بدون توجه به قبیله، نژاد، موقعیت اجتماعی و فرهنگی، دین، رنگ، جنسیت و... یا وابستگی‌های ملی و ملیتی، دارای حق و آزادی‌های انسانی است که غیر معطوف به عرضیات مذکور است (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۶ : ۲۲-۲۳).

تعریف حقوق بشر را باید از پس از جنگ جهانی دوم دانست و با تأسیس سازمان ملل - متحد و از سال ۱۹۴۵ است که اصطلاح حقوق بشر به مفهوم امروزی پا به عرصه‌های حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل نهاده است. در اینکه انسان به لحاظ طبیعی و ذاتی دارای حقوقی است و این حقوق باید صیانت شود اختلافی میان دیدگاه‌های حقوقی

نیست، لیکن تعریف مشترک و واحدی را نمی‌توان در بین نظریه پردازان و دکترین حقوقی یافت. تعدد تعاریف تأثیری بر اصل اهمیت و ماهیت حقوق بشر ندارد و نمی‌تواند آن را از حیز انتفاع ساقط سازد. در مجموع با جمع آوری دیدگاه‌های متنوع و معتنابه چنین استنتاج می‌شود که حقوق بشر آن دسته از حقوقی هستند که اشخاص به دلیل ماهیت انسانی مشمول حالشان می‌گردد، یا به عبارتی حقوق بشر مجموعه‌ای از امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های لازم، از آن برخوردار می‌باشند. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۲).

۳۲۷

۴-۱. اسناد حقوق بین‌الملل بشر در حمایت از آزادی دسترسی به اطلاع

امروزه با موج گسترده فضای مجازی، اهمیت این حق و تلاش در بدست آوردن و تثبیت آن عطش تحقق آن را روز افزون نموده است. تکنولوژی اینترنت در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، آموزشی و... در عمق زندگی بشر امروزی، آن‌چنان رسوخ نموده که کوفی عنان دبیر کل اسبق سازمان ملل متحد پیرامون اهمیت این موج گسترده، بیان می‌دارد «تنها در عرض چندسال، اینترنت، حوزه‌های تجارت، بهداشت و درمان و به راستی عرصه ارتباطات و مبادلات زیربنایی بشر را درچار تحول کرده و تکامل بخشیده است، علاوه براین قابلیت‌های بالقوه اینترنت، بسیار بیشتر از آن است که بتوانیم در مدت زمان کوتاهی شاهد ظهور آن باشیم» (کاشیان و دیگران، ۱۳۸۴: ۳).

با ملاک قرار دادن مطالب دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد، این موضوع که انسان در مسیر تحقق دموکراسی و احقاق حقوق خود در ساختار نظام‌هایی که ابتناء آن‌ها بر آزادی در دسترسی به اطلاعات است قطعاً تلاش خود را در این مسیر گسیل می‌دارد تا هرچه گسترده‌تر و در نهایت کیفیت به این فناوری دست‌یافته و مهم‌تر اینکه تسهیل در ترویج آن را در رأس کنش‌های مدیریتی نظام سیاسی خود قرار دهند. زیرا زمینه‌های لازم برای تحقق دموکراسی شرایط خاص خود را نیاز دارد که این شرایط عبارتند از: ۱- شرایط مادی دموکراسی، ۲- شرایط مبتنی بر قانون اساسی، ۳- شرایط فکری، ۴- شرایط روانشناسی و ۵- شرایط حفاظتی (کوهن، ۱۳۷۸: ۲۹-۲۷). ناگفته نماند که این



شرایط خارج از منابع قانونی محقق و تثبیت نخواهند شد؛ در این‌گفتار به این موضوع پرداخته می‌شود که اسناد حقوق بین‌الملل بشر در احقاق این حق چه اقداماتی را اندیشیده و اهم اسناد قابل طرح که به‌حمایت از آزادی بشر در دسترسی آزاد به-اطلاعات، مورد قبول سازمان ملل واقع شده‌اند کدام است؟. و دیگر این‌که سازمان ملل به‌عنوان اصلی‌ترین سازمان بین‌المللی که تقریباً تمامی کشورهای جهان در عضویت آن قرار دارند توانسته به‌این وظیفه خطیر خود، بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، مذهب و...، جامه عمل بپوشاند یا خیر؟ (دولت‌شاه، ۱۳۸۸: ۱۸).

۴-۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر

حقوق بشر و شکوفایی آن بر اصول پایه‌گذاری متکی است که بر اساس آن بشریت می‌تواند از زندگی شایسته در جلوه‌های متفاوت برخوردار شود. این اصول که در بادی امر، مولود اندیشه‌های فلسفی، اخلاقی و دینی می‌باشد در آن، سعادت بشری همواره مورد نظر است، در روابط فردی و اجتماعی، نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی را بارور می‌سازد (هاشمی، ۱۳۷۸: ۵-۲). اعلامیه جهانی حقوق بشر، نخستین اعلامیه فراگیر در ارتباط با حقوق بشر است که از سوی سازمان ملل متحد اعلام شده است و در بین اسناد بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر از جایگاه والا و پراهمیتی برخوردار می‌باشد. این اعلامیه را به لحاظ جایگاه می‌توان در ردیف اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه و اعلامیه استقلال آمریکا، قلمداد نمود ولی طبعاً موقعیت عملی وسیع‌تری پیدا نموده است. اعلامیه حقوق بشر یک معاهده نیست و سابقه تاریخی آن گویای این امر است که بعنوان یک قطعنامه مجمع عمومی که قدرت اجرایی ندارد تصویب شده است. خانم النور روزولت؛ یکی از معماران اصلی طرح اعلامیه جهانی حقوق بشر، پس از تصویب آن در مجمع عمومی، در مورد ماهیت حقوقی اعلامیه گفت: «باید بخاطر داشته باشیم که آنچه تصویب شد، نه یک معاهده و نه یک موافقت‌نامه بین‌المللی است و هیچ تعهد حقوقی و قانونی در پی ندارد. این فقط اعلام اصول اساسی حقوق بشر و آزادی‌هاست که با رأی رسمی مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد و به‌عنوان دستاوردی از یک استاندارد عمومی و مشترک برای همه مردم از همه ملیت‌ها به حساب می‌آید.» (مهرپور، ۱۳۹۲: ۴۹). در مقدمه این اعلامیه آمده است که قلمرو این مقرره جهانی می‌-

باشد و تمامی افراد بشری نیز هرکجا باشند صرف نظر از دولت‌هایی که بر آن‌ها حکومت می‌کنند می‌توانند از آن مستفید گردند. و از سویی دیگر باید توجه داشت که آزادی اطلاعات که در ماده ۱۹ اعلامیه آمده است یکی از حقوق بنیادین بشری است و همان‌گونه که قبلاً اشاره شد از ارتباط عمیقی با کرامت ذاتی تمامی انسان‌ها برخوردار می‌باشد. این ماده از اعلامیه؛ اطلاعات را به مثابه اکسیژن دموکراسی توصیف می‌کند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که اعلامیه حقوق بشر قوام و الزام بخشی تعهداتی که در معاهدات و کنوانسیون‌ها از سوی دولت‌ها پذیرفته شده است را نخواهد داشت، این اعلامیه به‌گونه‌ای که از مجمع عمومی مدون شده است ارزش حقوقی توصیه‌ای دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر در حکم گسترش و تفسیر منشور است، و حقوق بشر را به صورت حقوق موضوعه مستقل وارد حقوق بین‌الملل نموده است. (کلن، ۱۳۷۸: ۱۳۲).

برخی اندیشمندان از این زاویه به اعلامیه می‌نگرند و معتقدند، اولین و اصلی‌ترین سندی که موضوع آزادی اطلاعات را مدنظر قرار داده است همین اعلامیه جهانی حقوق بشر است، زیرا در ماده ۱۹ این اعلامیه اگرچه جنبه حقوقی توصیه‌ای دارد اما تأکید شده است که: هرکس حق آزادی عقیده و بیان را دارا است؛ این حق شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و اندیشه‌ها و در اخذ و انتشار آن به تمامی وسایل ممکن و بدون ملاحظه مرزی آزاد باشد. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) از بدو تأسیس، بر ارزش‌های مطرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر پا فشرده و بر ضرورت آزادی بیان و اطلاعات تأکید کرده است (شریعتی، ۱۳۹۴: ۵۵).

اگر دولت‌ها مدعی باشند که متعهد به حقوق هستند باید بپذیرند و در عمل نشان دهند که شفاف‌ترین شیوه اثبات تعهد هر دولت به حقوق، پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر است، کما اینکه کشورهای عضو سازمان ملل متحد که هر یک حامی ایدئولوژی‌های متعارض و دارای فرهنگ‌های خاص می‌باشند، از این اعلامیه در سال ۱۹۴۸ رسماً حمایت کرده‌اند (جاوید، ۱۳۸۸: ۲-۶۶).

۳-۴. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

باتوجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر ارزش و اعتبار حقوقی الزام آور نداشت، محتوای آن به صورت معاهده و در دومین میثاق که عبارتند از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ۵۳ ماده که مرتبط است با قسمت اول اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در ۳۱ ماده، طی قطعنامه شماره A/۲۲۰۰ تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و ده سال بعد یعنی در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم الاجرا شد (اشرافی، ۱۳۹۸: ۱۷۸).

ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تفصیل بیشتری به آزادی بیان پرداخته است، ماده ۱۹ میثاق مزبور چنین مقرر داشته است:

۱- همه افراد حق داشتن دیدگاه و نظر بدون مداخله دیگران را خواهند داشت.

۲- همه افراد حق آزادی بیان دارند که این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و دادن همه انواع اطلاعات و داده‌ها بدون توجه به مرزهای سرزمینی می‌گردد. خواه این ایده‌ها و اطلاعات بصورت شفاهی و کتبی یا بصورت چاپی یا اینکه در قالب و شکل هنری بوده و یا اینکه از طریق رسانه‌های گروهی یا هر وسیله دلخواه دیگر باشد (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۶: ۱۰۴). ازدید برخی اندیشمندان، بند دوم ماده ۱۹ میثاق به صراحت تکلیفی برای نهادهای دولتی یا اشخاص خصوصی مبنی بر ارائه اطلاعاتی که از طریق دیگر قابل دسترسی نیست را به وجود نمی‌آورد؛ بنابراین نمی‌توان چنین پنداشت که تفسیر این ماده مانع از شناسایی چنین تکلیف و تعهدی است، زیرا ضرورت آزادی بیان و اطلاعات برای ایجاد یک حکومت مردم‌سالار و نیز پیدایش جامعه اطلاعاتی، نیازمند اطلاعات به-ویژه در زمینه اداره امور عمومی است. لذا می‌توان تلویحاً از بند ۲ ماده ۱۹ میثاق چنین موضوعی را استنباط نمود (ویژه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

۴-۴. کنوانسیون حقوق کودک

حقوق کودک نیز همانند سایر حقوق بشر نیاز به حمایت جدی از سوی جامعه بین‌المللی را دارد. بحث ما در اینجا این است تا به لحاظ اهمیت دسترسی آزاد به اطلاعات از منظر اسناد بین‌المللی که حتی جامعه کودکان را نیز مد نظر قرارداد به این موضوع پرداخته - شود. ناگفته نماند که امروزه، پژوهش علمی در مورد حقوق کودکان بدون توجه به

کنوانسیون به‌عنوان حامی حقوق کودک غیر قابل تصور است. هدف از پرداختن به موضوع آزادی اطلاعات در کنوانسیون حقوق کودک و انجام مطالعه دراهمیت آن، بررسی آکادمیک کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد^۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس بیستم نوامبر ۱۹۵۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک را در یک مقدمه و ده ماده به تصویب رساند. در قسمتی از مقدمه این اعلامیه چنین آمده است «این اعلامیه حقوق - کودک را با این هدف که ایام کودکی توام با خوشبختی بوده و کودک از حقوق و آزادی‌هایی که در پی خواهد آمد، به خاطر خود و جامعه‌اش بهرمنند می‌شود، رسماً به آگاهی عموم می‌رساند از کل جمعیت جهان، کودکان سهم بزرگی را به خود اختصاص داده‌اند و بخش عمده‌ای از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. اگر جامعه جهانی به اهمیت این موضوع در گستره جهانی پی‌ببرد و مشکلات و نارسایی‌های مبتلا به کودکان را در هفت قاره تحلیل و تقلیل نماید سهم عمده‌ای در پرورش و سازندگی آینده زنان و مردانی که سرنوشت آینده جهان را به‌دست خواهند گرفت خواهد داشت. ذکر این نکته حائز اهمیت است که اعلامیه سال ۱۹۵۹ حقوق کودک، همانند سایر اعلامیه‌های حقوق بشری در آن زمان جنبه الزامی نداشت و صرفاً به لحاظ اخلاقی و توصیه‌ای به حقوق - کودک پرداخته است، به همین خاطر و از آنجایی که می‌بایست حقوق کودک قدرت اجرایی پیدا نماید در سال ۱۹۸۹ مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده که در سه بخش بیان شده است از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت و در اولین روزی که برای امضاء گذاشته شد (۲۶ ژانویه ۱۹۹۰) ۶۱ دولت آن را امضاء کردند (مهرپور، ۱۳۹۲: ۱۳۴-۱۳۵).

۴-۵. اعلامیه هزاره، مصوب سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد

اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد سندی راهنما برای سده‌ی جدید است. این اعلامیه، در اجلاس هزاره که از ششم تا هشتم سپتامبر سال ۲۰۰۰، پانزدهم تا هفدهم شهریور ۱۳۷۹ در نیویورک برگزار گردید به تصویب رسید. اعلامیه هزاره، نقطه نظرات سران ۱۴۷ کشور و دولت و در مجموع ۱۹۱ کشور را که در یکی از بزرگترین گردهمایی‌های

۱- اسدی، علی اکبر، بررسی حقوق کودکان در کنوانسیون حقوق بشر، اولین همایش ملی جهانی‌سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، مشهد ۱۳۹۷. <https://civilica.com/doc/7712661> 1400/10/6

تاریخ رهبران جهان تشکیل شد منعکس می‌کند^۱. این اعلامیه طی ماه‌ها گفتگو، با بذل توجه به گزارش‌های منطقه‌ای و نشست‌هزاره که اجازه داد صدای مردم شنیده شود تدوین شد.

خوشحالم از این‌که می‌بینم بسیاری از تعهدات و اهدافی که در گزارش هزاره خود پیشنهاد کردم در این اعلامیه گنجانده شده است^۲. در بند ۲۵، اعلامیه هزاره تأکید شده است به تمامی اعلامیه حقوق بشر احترام می‌گذاریم و از آن حمایت می‌کنیم، برای حمایت کامل و ترویج حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای همه؛ در کشورها تلاش می‌کنیم. در اعلامیه هزاره، آزادی رسانه‌ها برای اجرای نقش اساسی آن‌ها و حق مردم را برای دسترسی داشتن به اطلاعات تضمین نموده است. بدون شک اطلاعات منبع قدرت است و آن‌هایی که به رسانه‌های آزاد و مستقل دسترسی دارند از انتخاب‌ها و همچنین اطلاعات مورد نیاز برای بهره‌برداری بیشتر از این انتخاب‌ها برخوردارند (شکرخواه، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

۴-۶. برگزاری اجلاس جهانی سران پیرامون جامعه اطلاعاتی

سازمان ملل متحد و سازمان‌های تابعه آن عامل بنیادین و پایه‌گذار مجامع جهانی بین‌المللی و تأثیرگذار بر منابع راهبردی در تمامی حوزه‌های نیاز بشر می‌باشند، از جمله این سازمان‌ها سازمان ITU^۳، اتحادیه بین‌المللی مخابرات است که وابسته به سازمان - ملل متحد می‌باشد. در ۱۷ مه سال ۱۸۶۵، ۲۷ اردیبهشت ۱۲۴۴ پس از اختراع تلفن، حدود بیست کشور اروپایی نهادی را تحت عنوان اتحادیه بین‌المللی تلگراف تأسیس نمودند که نخستین مقررات بین‌المللی ارتباطات راه دور (مخابرات) در آن به تصویب رسید. این اتحادیه پس از کنفرانس جهانی در مادرید اسپانیا به اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور مخابرات یا همان ITU^۴ تغییر نام داد. پس از تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، ITU، به نهادی وابسته به سازمان ملل متحد تبدیل شد. بر همین مبنا اجلاس سران کشورها در باره جامعه اطلاعاتی براساس قطعنامه ۱۸۳/۵۶ دسامبر سال ۲۰۰۱ سازمان

۱ - ملل متحد، سازمان، اعلامیه هزاره، انتشارات مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد تهران، دفتر هماهنگ کننده فعالیت‌های نظام ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۱. United Nations: Millennium Declaration.
۲- کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد.

ملل متحد به مدیریت و رهبری نهاد ITU سازمان ملل طراحی شد. هدف از آن تشویق و بهره برداری گسترده و آینده نگری نسبت به توسعه پایدار ملی فناوری اطلاعات در میان دولت‌ها بود^۱. از دید اجلاس جهانی سران در باره جامعه اطلاعاتی^۲، مسئله آزادی اطلاعات به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین حقوق نوع بشری مورد توجه بوده است و به این اصل نیز توجه خاصی شده است.

۴-۷. نقشه عمل اجلاس عالی سران جامعه اطلاعاتی

جامعه اطلاعاتی، مفهومی در حال تحول است که به سطوح مختلفی در سراسر جهان رسیده و منعکس کننده مراحل مختلف توسعه است. جامعه‌ای را که در آن کیفیت زندگی، گسترده دگرگونی اجتماعی و اقتصادی به گونه‌ای روزافزون به اطلاعات و بهره برداری از آن متکی است جامعه اطلاعاتی می‌گویند^۳. در این برنامه عمل؛ دربند دهم بخش سوم، اهمیت آزادی اطلاعات را این‌گونه بیان می‌نماید که فناوری اطلاعات و ارتباطات این امکان را به مردم سراسر جهان می‌دهد که تقریباً و بلافاصله به اطلاعات و دانش دسترسی یابند، سازمان‌های مختلف و جوامع باید از دسترسی به دانش و اطلاعات بهره مند شوند. و در ادامه شیوه عمل اجرایی شدن نحوه دسترسی به اطلاعات و دانش را تبیین می‌کند^۴. مطالعات مربوط به حقوق بین‌الملل بشر در اسناد مذکور به صراحت، شفاف و خارج از هرگونه تعبیر و تفسیر؛ چنین ابراز شده است که آزادی اطلاعات باید به عنوان یک حق بشری بنیادین که در یک جامعه آزاد مثل آزادی بیان حائز اهمیت است، به رسمیت شناخته شود. (حبیبی، ۱۳۸۳: ۷۹).

۵. جایگاه آزادی اطلاعات در حقوق اساسی ایران

چنان‌که قبلاً گفته شد انسان موجودی اجتماعی است، همواره در جامعه زیسته است و جز آن نمی‌تواند زندگی کند. جوامع نیز قوام نمی‌یابند جز در حالتی که افراد تشکیل دهنده آن تابع نظم معینی باشند؛ قاعده‌ای که آمرانه بر همه تحمیل و اجرای آن نیز به گونه‌ای اجتماعی تضمین شود. به عبارت دیگر، قاعده اجتماعی نتیجه زندگی اجتماعی

۱- جمال سرشت، محمد فواد، مقاله، WSIS در رسانه ملی فراموش شد، روزنامه هموطن، سه شنبه ۲۹ آذر ۱۳۸۴.

World Summit the Information Society (WSIS)-4

۳- نشاط، نرگس، روزنامه همشهری، ۱۳ دی‌ماه ۱۳۸۶ 1400/10/18 <https://hamshahrionline.ir/xnt2>

1400/10/20 <https://www.itu.int/net/wsis/docs/geneva/official/poa.html-6>

است، همانگونه که در ارگانیکسم زنده، سلول‌ها تحت فرمان قانون خاصی هستند که این قانون شرط بقای هم‌زمان ارگانیکسم و سلول است، در جامعه انسانی نیز هنجاری وجود دارد که شرط هم‌زمانی زندگی اجتماعی و فردی است (دوگی، ۱۳۹۳: ۲۱). امروزه امکان ندارد که جامعه‌ای بدون حقوق زندگی کند. به عبارت بهتر، ممکن نیست که جامعه‌ای بدون حقوق عینی زندگی کند که معنای آن مجموعه قواعدی است که بر اعضای جامعه تحمیل می‌شود (دوگی، مترجم، ویژه، ۱۳۹۳: ۴۸). نوع انسان نیازمند قانون در تنظیم مصالح و مفاسد زندگی است (فیرحی، ۱۳۹۹: ۵۰). در همین رابطه در حمایت از آزادی بیان و مطبوعات به‌عنوان یکی از لوازم آزادی اطلاعات و در راستای احقاق حقوق انسانی و عدالت خواهی، نزدیک به یک قرن است که در ایران، مورد توجه واقع شده است. به همین جهت در اولین قانون اساسی ایران و همچنین متمم آن، اصول ویژه‌ای به آن اختصاص داده شده بود. در جمهور اسلامی ایران که پس از پیروزی انقلاب ایران قانون اساسی آن تدوین شد اصول خاصی برای آزادی پیش بینی گردیده. (محمدنژاد، ۱۳۸۸) در چند دهه اخیر و با تأثیر پذیری از فضای حاکم در عرصه بین‌الملل مبنی بر تصویب قوانین مرتبط با موضوع آزادی اطلاعات، جمهوری اسلامی ایران نیز به تأثیر از آن اقدام به تصویب قوانین و زیر ساخت‌های حقوقی حق دسترسی شهروندان به اطلاعات نموده است (جم و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۰۳).

۶. حقوق اساسی

اصولاً هر کشوری در قالب جامعه انسانی شکل می‌گیرد. از دید جامعه‌شناسی، تمام گروه بندی‌های بشری اعم از خانواده، قبیله، عشیره، روستا، شهر، کشور و نظایر آنها، جامعه به معنای عام کلمه هستند. آغاز یک‌جا نشینی و تشکیل اجتماعات بدوی اولین بارقه‌های امیدی بود که زیرساخت ایجاد امنیت را در مسیر جوامع بدوی قرارداد، انسان دارای یک غایت فطری است. فطرت انسانی وجه تمایز آن با سایر موجودات است و این فطرت مسیر موجود انسانی را به گونه‌ای طراحی نموده است که خارج از زندگی اجتماعی برای او مقدور نیست. تفاوت وضع و نقش افراد جامعه که منطبق حرکت هماهنگ و یکپارچه اجتماعی است خود به خود موجد زمینه انواع تمایزها و تفاوت‌هاست. یعنی از همان آغاز شکل‌گیری جامعه، ضرورت اجتناب ناپذیری دو گروه

فرمانروا و فرمان‌بر، فرادست و فرودست، دستورده و دستورگیر را از یکدیگر متمایز می‌کند. کوتاه سخن آن‌که، جامعه به دنبال گردهمایی اجتناب‌ناپذیر افراد و گروه‌ها و ایجاد ارتباط از نوع اجتماعی آن متولد می‌شود و به سبب متفاوت بودن روابط، از خلال جامعه چهره قدرت ظاهر می‌شود و این قدرت به وسیله فرمانروایان اعمال می‌گردد، بر همین مبنا است که در تعریف حقوق اساسی گفته می‌شود، حقوق اساسی اختصاصاً به روابط سیاسی بین فرمانروایان و فرمان‌بران می‌پردازد (قاضی، ۱۳۹۳: ۱۹-۲۰).

۱-۶. آزادی اطلاعات در قانون اساسی

هیچ جامعه کشوری یا دولت - کشوری نمی‌توان یافت که فاقد قانون اساسی باشد وحدت قانون اساسی هر کشوری به وحدت نظام حقوقی آن باز می‌گردد، و تجلی قداست و ثبات این میثاق ملی می‌باشد (قاضی، ۱۳۷۳: ۲۱). اینکه چرا هر کشوری باید دارای قانون اساسی باشد پاسخ‌های گوناگونی یافته است، ولی همگان اتفاق نظر دارند که «مهار کردن نیروی خارق‌العاده و قهار حکومت و اجباروی به رعایت حقوق افراد در طول تاریخ بشر با مشکلات پیچیده و غامض و غالباً با انقلاب‌ها و خونریزی‌ها توأم بوده و حاصل آن متاعب و مشقت‌ها، قوانین اساسی کشورهای جهان است (بوشهری، ۱۳۷۶: ۵). در تعریف قانون اساسی باید گفت، قانون اساسی، کلیه قواعد و مقررات موضوعه یاعرفی، مدون یا پراکنده‌ای گفته می‌شود که مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن است (قاضی، ۱۳۹۳: ۳۹).

۲-۶. مقدمه قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی، این میثاق ملی، به اهمیت و وظیفه وسایل ارتباط جمعی و بطور مشخص رادیو تلویزیون پرداخته است و تأکید می‌نماید «برعهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کارآنان به‌طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند». در مبحث مبانی آزادی - اطلاعات گفته شد شفاف‌سازی دولت‌ها عامل مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی است، بنابراین باتوجه به این فراز از مقدمه قانون اساسی که نظارت برکار مسئولین جامعه اسلامی را از رهگذر مشارکت امت اسلامی در ساختن جامعه اسلامی

می‌داند، بصورت تلویحی به تأثیر مشارکت و نظارت که از زیر ساخت‌های دموکراسی در حکومت‌های شفاف است اشاره دارد.

۳-۶. اصل دوم قانون اساسی

در این اصل، بصورت غیر مستقیم اهمیت جامعه اطلاعاتی را که زمینه ساز توسعه آزادی دسترسی به اطلاعات می‌باشد پذیرفته است، در قسمت «ب» از بند ششم اصل دوم قانون اساسی گزاره «استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در جهت پیشبرد آنها»، را موجب ارج نهادن بر کرامت انسانی و آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا می‌داند. با استناد به مباحث اسناد حقوق بین‌الملل بشر و تکیه این بخش از قانون اساسی مبنی بر اهمیت کرامت انسان، تردیدی باقی نمی‌ماند که اصل دوم قانون اساسی نیز حق دسترسی به اطلاعات را از جمله حقوق بشر دانسته و ترویج آن را لازم می‌داند.

۴-۶. اصل هشتم قانون اساسی

در این اصل آمده است، امر به معروف و نهی از منکر تکلیفی است که به صورت متقابل بین مردم نسبت به دولت و دولت نسبت به مردم دانسته شده است، زیرا انسان‌های اجتماعی، اثر متقابل بر روی یکدیگر دارند. بنابراین حفظ و پاسداری جامعه در مقابل هرگونه فساد، عقلاً ضرورتی اجتناب ناپذیر است. طبق شرع اسلام که اصل هشتم قانون اساسی نیز از آن اخذ شده است، افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر حتی نسبت به حاکمان خود تکلیفی دارند و باید نظارت بر اعمال یکدیگر داشته باشند. عملکرد حاکمان شفاف و روشن نخواهد شد مگر اینکه حاکمان و دولت‌مردان مجبور شوند تمامی ابعاد کارکردی خود را در معرض ارزیابی شهروندان قرار دهند، اینجاست که آزادی اطلاعات اهمیت می‌یابد (صدقی، ۱۳۹۲: ۱۹).

۵-۶. آزادی اطلاعات در قوانین عادی

با توجه به اصول ۵۸-۹۴-۱۲۳ قانون اساسی می‌توان گفت به لحاظ شکلی، قانون عبارت است از مجموعه مقرراتی که با طی نمودن تشریفات خاص توسط مجلس شورای اسلامی در ایران وضع و پس از گذراندن مراحل اولیه که در قانون اساسی پیش بینی گردیده به مرحله اجرا در می‌آید. به عبارت دیگر آن بخش از اراده حکومت که جنبه عمومی و

دائمی دارد را قانون می نامند. بنابراین مصوبات مقنن اعم از اینکه مربوط به عموم و یا موضوعات خاص باشد، قانون عادی نامیده می شود.

۶-۶. قانون مطبوعات و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی

حقوق مربوط به آزادی اخبار و اطلاعات اعم است از حقوق یکایک شهروندان برای دستیابی به درست‌ترین اطلاعات در باب مسائل و حوادث داخلی و بین‌المللی و همچنین آزادی مطبوعات، آزادی چاپ و نشر، آزادی ایجاد مؤسسه و انتشارات، ممنوع بودن سانسور و کوشش برای ممانعت از وابستگی مطبوعات به قدرت‌های مالی و ایجاد مقررات سنجیده در باره نیرومندترین وسایل رساننده گروهی نظیر رادیو و تلویزیون (قاضی، ۱۳۹۳: ۵۶۴). پیدایش مطبوعات در سده گذشته در پیشرفت دموکراسی سهم بسیاری داشته و بر اذهان اثر زیادی گذاشته است. البته هر گروه و گرایش، موضوعات را از دید خود می بیند یا جلوه می دهد. لکن تنوع مطبوعات یومیه با نگاه‌های گوناگون خود، تضمینی برای شهروندان است تا از میان انبوه روزنامه‌ها و مطبوعات ادواری و کتب و رسائل، عقیده خود را بسازند و شیوه واکنش خود را مشخص نمایند و در بستر خیراجتماعی به کار اندازند (دوورژه، ۱۳۶۷: ۳۱۰-۳۴۸).

در جمهوری اسلامی نیز بر اهمیت مطبوعات تأکید شده است، تا جایی که در اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن اشاره به آزادی مطبوعات، نحوه نظارت و تفویض این آزادی را به عهده قانون عادی گذاشته است. در واقع اولین قانونی که در ایران به موضوع آزادی اطلاعات و حمایت از آن پرداخته است قانون مطبوعات است.

باید توجه داشت که قانون مطبوعات را نمی توان مختص آزادی دسترسی به اطلاعات شمرد اما از آنجایی که رسانه‌ها در تمامی جوامع رابط بین اقشار مختلف جامعه و منابع خبری و اطلاعاتی داخلی و بین‌المللی می باشند بنابر رسالتی که بر عهده اصحاب رسانه گذاشته شده است، با در نظر داشتن اهمیت افکار عمومی، اطلاعات موجود در دستگاه‌های دولتی نیز می باید در اختیار رسانه‌ها گذاشته شود. بنابراین در ماده پنج، این حق قانونی بدین شکل مورد پذیرش واقع شده است: «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون، حق قانونی مطبوعات است». ماده پنج قانون مطبوعات به نوعی آزادی اطلاعات را

مدنظر قرار داده اما نمی‌توان گفت این قانون حق دسترسی آزاد به اطلاعات را نیز پذیرفته است و بسیار روشن است که در این قانون، حق دسترسی آزاد به اطلاعات مد نظر قانون گذار نبوده است؛ در نتیجه قانونی جامع برای رفع این کاستی بزرگ ضروری بود، به همین علت بود که به دلیل این خلأ قانونی بزرگ لایحه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تهیه شد (ویژه و طاهری، ۱۳۹۰: ۲۴۳).

۶-۷. قانون شرایط استفاده صحیح از لوازم و تجهیزات و محصولات مختلف سمعی و بصری و برنامه‌های تصویری در قالب ویدئو

مصوب دویست و نود و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ایران ظرف چهار دهه گذشته با توجه به موج گسترده و فراگیر تجهیزات دریافت و انتقال اطلاعات، و از طرفی باتوجه به محدودیت رسانه ملی در تأمین برنامه‌های متنوع تلویزیونی در اوایل دهه شصت؛ بحران فرهنگی اجتماعی فراگیری، جامعه و دولت‌مردان را به چالش کشید. پدیده‌ای بنام ویدئو میدان‌دار اکثر دوره‌های و جلسات علمی، فرهنگی، آموزشی در سطح کشور شد. کشش اقشار مختلف جامعه به سوی این تکنولوژی نورسیده ارکان حکومت را بر آن داشت تا با اعلام ممنوعیت واردات و خرید و فروش ویدئو به مقابله با آن پردازد به همین علت ویدئو در ردیف کالاهای قاچاق قرار گرفت و در صورت کشف علاوه بر جریمه، کلیه ابزارآلات آن ضبط می‌شد.

تاریخ جوامع گویای آن است که هر محدودیتی، مقاومت اجتماعی به دنبال خواهد داشت، از این نظر دولت‌ها همواره به دنبال آن هستند که تحت هر شرایطی این مقاومت را مهار یا زمینه پاسخ‌گویی منطقی و رفع آن را ایجاد نمایند، در ایران برای رفع این-کاستی، شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۱ با تصویب قانون شرایط استفاده صحیح از ویدئو رسماً آزادی و استفاده از آن را پذیرفت. در مقدمه این قانون آمده است: «نظر به اینکه استفاده صحیح از لوازم و تجهیزات و محصولات مختلف سمعی و بصری می‌تواند در خدمت ارتقاء فرهنگ عمومی قرار گیرد، شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مأموریت داد تا در آینده ضمن رفع محدودیت از فعالیت‌های ویدئویی هرچه زودتر اقدام به طراحی نظام اجرایی در تمام حوزه‌های فعالیت‌های سمعی و بصری بکند و آیین‌نامه‌های لازم را تهیه نماید و پس از

تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به اجرا در آورد». در هر صورت پذیرش آن توسط مراجع قانونی در حکم پذیرش تمامی اثرات ناشی از آن است، اگرچه از دید قانونگذار مربوطه ممکن است این مصوبه ماهیت قانون حامی ابزار دسترسی به اطلاعات را دارا نباشد؛ اما در عمل نشان داده شد که ویدئو از تجهیزات انتقال اطلاعات در عصر و زمان خود بوده و قانون مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی به صورت ضمنی این ابزار دسترسی و نقل و انتقال اطلاعات را پذیرفته است.

۶-۸ قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک

مصوب ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی

همانگونه که در گفتار مربوط به اسناد حقوق بین الملل بحث شد مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس بیستم نوامبر ۱۹۵۹ اعلامیه حقوق کودک را در یک مقدمه و ۱۰ ماده تصویب و پس از گذشت سی سال در سال ۱۹۸۹ در جهت گسترش حقوق کودک، کنوانسیون حقوق کودک را تصویب نمود. در بند یک ماده ۱۳ این کنوانسیون آمده است: «کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می باشد؛ این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ شده به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگر به انتخاب کودک می باشد». همچنین در بند ۲ کنوانسیون اشاره دارد به اینکه اعمال این حق ممکن است منوط به محدودیت های به خصوصی باشد.

جمهوری اسلامی ایران در اسفند ماه ۱۳۷۲ با تصویب قانون اجازه الحاق دولت ایران به کنوانسیون حقوق کودک با حق شرط به این کنوانسیون پیوست. آنچه هدف این پژوهش می باشد این است که اگر چه دولت ایران کلیت کنوانسیون حقوق کودک را با تعیین حق شرط پذیرفته است اما پر واضح است که این حق شرط در ارتباط با ماده ۱۳ نمی تواند بالاتر از آن تاکید می باشد که در بند ۲ ماده ۱۳ قید شده است؛ همانگونه که ملاحظه می شود در این بند از کنوانسیون محدودیت های خاصی را در اعمال این حق در نظر گرفته است، بنابر این پذیرش ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک از سوی دولت ایران بدون هرگونه تفسیری به منزله قبول حق دسترسی آزاد به اطلاعات است.

۶-۹. قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، مصوب سال

۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی

یکی از نوآوری‌های قرن بیستم ماهواره یا قمر مصنوعی^۱ است، که دانش فنی آن با سرعتی بسیار در حال تحول و پیشرفت می‌باشد. توانائی ماهواره در جهت کسب اخبار و ارسال پیام و تصویر به نقاط دوردست، نقش عظیمی را در زمینه‌های مخابراتی، ارسال برنامه‌های رادیویی - تلویزیونی، پیش‌بینی وضعیت آب و هوا و... (کدخدایی، ۱۳۷۹: ۱). این پدیده در دهه هفتاد شمسی در ایران ظهور پیدا نمود، ماهواره نیز همانند اسلاف - خود، رادیو و ویدئو در ایران مورد عتاب دولت‌ها واقع شد. قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب سال ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی یکی از قوانین خاص است که بر گستره موارد ممنوع شده در نظام کیفری ایران افزوده است. اگرچه به تعبیر بسیاری از اهل فن اعم از حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و ...، این قانون مرده به‌دنیا آمد، اما جرم‌انگاری مندرج در این قانون از دیدگاه سیاست‌جنایی دربردارنده این نکته است که قانون‌گذار ایران برای مبارزه با این پدیده و تفکیک آن از جرم‌های عادی سیاست تشدید مجازات را برگزیده است (مهرابی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۷). درخصوص سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توان این‌گونه اذعان نمود که اگر چه در زمان بحث و تصویب قانون اساسی، موضوع تکنولوژی ماهواره مطرح نبوده است اما از آنچه در مقدمه قانون اساسی در خصوص رسانه‌های ارتباط جمعی رادیو تلویزیون آمده، می‌توان به نقطه نظر قانون اساسی پی برد. در بخش اخیر مقدمه قانون اساسی این‌گونه آمده است «وسائل ارتباط جمعی (رادیو تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرارگیرد و در این زمینه از برخورد اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند». گسترش به‌کارگیری تجهیزات ماهواره‌ای و ناکارآمدی قانون یادشده در ایران، سرانجام؛ نمایندگان قانون‌گذاری را به این فکر انداخت تا به بازنگری قانون ماهواره بپردازند (بردبار، ۱۳۸۰: ۴۳). در دوره ششم مجلس، طرحی توسط نمایندگان به مجلس ارائه شد که در ماده ۷ آن طرح سعی شده بود ایراد اخیرالذکر رفع گردد، که در نهایت

این طرح به نتیجه‌ای نرسید. مجدداً در سال ۱۳۸۰ در دوره ششم مجلس، طرح اصلاح قانون ممنوعیت...، تقدیم مجلس شد که یک فوریت این طرح در جلسه روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۴ به تصویب رسید اما نهایتاً با ایراد کلی شورای نگهبان، این طرح کاملاً مردود اعلام شد. در ماده ۷ این طرح آمده بود: «اشخاص حقیقی و حقوقی برای استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره باید مجوز لازم را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن کسب کنند». همچنین طرح دیگری تحت عنوان استفاده مدیریت شده از پخش مستقیم ماهواره، توسط کمیسیون فرهنگی مجلس در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی با قید یک فوریت در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۴ تقدیم مجلس گردید که فوریت آن به تصویب نمایندگان نرسید (مهرابی، ۱۳۹۱: ۹۸). با تأمل در تمرکز نمایندگان ادوار مختلف مجلس، مشاهده می‌شود پارادوکس بین قانون و گرایش اجتماعی به استفاده گسترده از ماهواره، نوعی چالش در نظام قانون‌گذاری ایران ایجاد نمود، امروزه شاهد آن هستیم پس از سه دهه از تصویب این قانون، اقشار مختلف با علم به قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره، از این وسیله استفاده می‌نمایند. سهولت و عدم دغدغه نسبت به سال‌های اولیه استفاده از این تکنولوژی در تمام ابعاد آن اعم از فروش و بهره‌برداری، مبین این امر است که در عمل؛ مخالفتی با استفاده از ماهواره وجود ندارد.

۶-۱۰. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ مجمع تشخیص

مصلحت نظام

جدای از قوانینی که در مقاطع مختلف زمانی در جهت پیش‌گیری و ممنوعیت استفاده از انواع تجهیزات دسترسی آزاد به اطلاعات توسط ارکان مربوطه در جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید و با مرور سیر تحول این قوانین در مباحث قبل، نتیجه آن شد که به لحاظ فقدان کارایی و سبقت تکنولوژی توسعه اطلاعات از قوانین، برخی از این مصوبات از حیث انتفاع ساقط شده‌اند. با وجود موانع و چالش‌های موجود پیرامون این حق و اقتضای زمانه مبنی بر تصویب قانون خاصی که حق دسترسی به اطلاعات را به رسمیت شناسد، لایحه موسوم به انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بدون اشاره به مبنای توسط دولت تدوین و به مجلس شورای اسلامی ارائه شد؛ این لایحه مشتمل بر یک

مقدمه هشت فصل و ۸۳ ماده بود که در نهایت در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۵ تصویب و به شورای نگهبان ارسال شد، شورای نگهبان قانون اساسی این مصوبه را واجد ایراد دانست و آن را به مجلس برگرداند. مجلس شورای اسلامی با بازبینی، مجدداً این مصوبه را به شورای نگهبان ارجاع نمود اما این شورا عدم تطابق برخی مواد آن را با شرع مقدس - اسلام و اصول قانون اساسی اعلام کرد و پس از ارسال مجدد به مجلس، در لایحه تغییراتی ایجاد شد و مجدداً نظر فقها و حقوق‌دانان شورای نگهبان را تامین نکرد، در نهایت لایحه مذکور به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و مجمع در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۶ این لایحه را با عنوان قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تصویب نمود. ملاحظه بر روی سیر این لایحه نشان می‌دهد نزدیک به دو سال زمان سپری شده است تا این قانون تصویب شود. نکته قابل توجه این‌که این قانون در ۲۳ ماده، یک تبصره و در شش فصل تصویب شد در واقع بیش از نیمی از مواد قانون و دوفصل آن حذف گردید (صدقی، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۱). این نخستین بار است که نظام حقوقی ایران، صراحتاً چنین حقی را به رسمیت شناخته و مقرراتی را در باب این حق، به مقررات حقوق داخلی می‌افزاید، اما در عین حال به دلیل نبود انسجام لازم و فقدان برخی مفاهیم کلیدی و مهم در این لایحه موجب شده تا دستیابی به هدف واقعی و نهایی این لایحه با کاستی‌هایی مواجه شود (جم و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۰۳). مبانی آزادی اطلاعات ایجاب می‌کند تمام دستگاه‌های اجرایی مشمول آن شوند. با وجود این تقریباً در همه‌ی کشورها برخی موسسات از شمول قانون آزادی اطلاعات استثناء شده‌اند. این موسسات عبارتند از: موسسات نظامی، امنیتی و اطلاعاتی (جم و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

۶-۱۱. قانون ارتقاء نظام سلامت اداری مصوب سال ۱۳۹۰ مجمع تشخیص مصلحت

نظام

استفاده از فن‌آوری اطلاعات در سازمان‌ها باعث کاهش قدرت پنهان‌کاری و انحصار شخصی و هم‌چنین جلوگیری از رانت خواهد شد. توسعه این ابزار در سیستم اداری موجب افزایش شفافیت فرآیندهای اداری و بهبود تصمیم‌گیری می‌شود. استفاده از ابزارهای فن‌آوری اطلاعات بطور کلی ضمن افزایش کارایی و ثمربخشی منجر به ایجاد بستری مناسب برای ارتقاء بهره‌وری سازمانی و ملی خواهد شد. (دانایی، ۱۳۸۳) قانون

ارتقاء نظام سلامت اداری و مقابله با فساد در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۷ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید؛ ابتناء این قانون بر ایجاد شفاف‌سازی در سیستم اداری است، به همین دلیل قانون مذکور در بخش‌های مختلفی تأکید به اهمیت حق دسترسی به اطلاعات برای ایجاد شفافیت دارد. (خرقه‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱۳) در ماده هشت این قانون توجه ویژه‌ای به حق دسترسی به اطلاعات جهت تحقق شفافیت داده شده است، از جمله مواردی که در این قانون مورد تأکید قرار گرفته است تدوین سیاست‌ها و راهکارهای شفاف‌سازی اطلاعات و استقرار و تقویت نظام‌های اطلاعاتی و استاندارد سازی امور و مستند نمودن فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی برای ثبت و ضبط شفاف و جامع کلیه عملیات، اطلاع‌رسانی لازم به عموم مردم و همچنین تأمین نیازهای اطلاعاتی دستگاه‌های نظارتی و اطلاعاتی را بر عهده معاونت‌های برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و توسعه منابع و سرمایه‌انسانی رییس‌جمهور قرار داده است.

نتیجه‌گیری

توجه به کلیت حقوق بنیادین بشر از سوی قواعد حقوق بین‌الملل و دوراندیشی در اسناد حقوق بین‌الملل بشر، از آنجا ناشی می‌شود که وسیله تولید، دسترسی و انتقال اطلاعات در اسناد حقوق بین‌الملل بدون محدودیت در نظر گرفته شده و این نشان‌دهنده آن است که از منظر حقوق بین‌الملل ابزار دسترسی آزاد به اطلاعات ماهیت دینامیکی دارد و همراه با عصر و زمان خود در حال تغییر است. مبانی حق دسترسی آزاد به اطلاعات در حقوق بین‌الملل ملهم از حق فطری بشر نسبت به حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان است. در حقوق اساسی ایران مبنای مشخصی به عنوان عامل پذیرش این حق وجود ندارد و این نقص یکی از نکات سئوال برانگیز در مورد قواعد حقوقی ایران می‌باشد، ضمن تأکید بر اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی صراحتی در پذیرش آزادی اطلاعات نمی‌توان یافت، در برخی از اصول قانون اساسی اما، بصورت جزیره‌ای و ضمنی، تلویحاً و با تفسیر موسع می‌توان این حق را اثبات نمود، از جمله قوانینی که بطور مشخص آزادی اطلاعات را بدون ذکر و تکیه بر مبنا پذیرفته است، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات می‌باشد که در تقابل دو نهاد مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان قانون اساسی در نهایت از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید.

ملاحظه بر روی سیر تبدیل این لایحه به قانون، نوعی کم رغبتی به آن را نشان می‌دهد، زیرا پس از گذشت نزدیک به دو سال این قانون مصوب شد. قابل توجه این‌که، قانون در ۲۳ ماده، یک تبصره و در شش فصل تصویب شد در واقع بیش از نیمی از مواد قانون حذف گردید. از طرفی آیین‌نامه اجرائی ماده ۸ ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون، باید به تصویب هیأت وزیران می‌رسید. ولی آنچه در عمل به وقوع پیوسته این است، پس از حدود ۱۳ سال آیین‌نامه اجرایی ماده هشت در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۳ به تصویب هیأت وزیران رسیده است. در مجموع و با تدقیق بر روی سیر تحول بایسته‌های دو نظام حقوقی بنظر می‌رسد: نظام حقوق بین‌الملل با هدف صیانت از حقوق بشر، در تثبیت حق دسترسی به اطلاعات متناسب با عصر و زمان پیش‌رفته و موفق بوده است. برخلاف آیات و روایت دینی، نظام حقوقی ایران ضمن ابراز تمایل به پاسداری از حق دسترسی به اطلاعات، راهبرد تحدید این حق را سرلوحه قرارداد داده است که سیر تحول آن نشان می‌دهد در عمل موفق نیست. لازم است در نظام حقوقی ایران مبنای این حق مشخص شود.

منابع

- اخوان، بهار، (۱۳۹۹). حق دسترسی به اطلاعات، انتشارات موسسه صیانت از حقوق زنان، تهران
- اسدی، عباس، (۱۳۹۱). نقش روزنامه نگاری تحقیقی در گسترش رفاه اجتماعی، فرهنگ و رسانه، شماره دوم.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). بررسی حقوق کودکان در کنوانسیون حقوق بشر، اولین همایش ملی جهانی - سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، مشهد.
- اشرفی، داریوش، (۱۳۹۸). سازمان‌های بین‌المللی و تحول مفهوم حاکمیت ملی، انتشارات خرسندی، چاپ سوم، تهران .
- انصاری، باقر، (۱۳۹۰). حقوق رسانه، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول پاییز .
- بسته نگار، محمد، (۱۳۸۵). حقوق بشر از منظر اندیشمندان، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ دوم.
- پی سوبدی، سوری، (۱۳۹۸). نظام حقوق بشر سازمان ملل متحد از اندیشه تا اجراء، ترجمه، زمانی، سید قاسم، محبعلی، امیر حسین، چاپ اول، تهران انتشارات مجد.
- تافلر، الوین، (۱۳۷۵). جابه جایی در قدرت: دانائی و ثروت و خشونت در قرن بیست و یکم، ترجمه خوارزمی، شهیندخت، فرهنگ نشر سیمرخ، تهران، چاپ ششم.

تسون، فرناندو، (۱۹۵۰). *فلسفه حقوق بین‌الملل*، ترجمه، محبی، محسن، (۱۳۹۴). مقدمه مترجم، چاپ سوم، ۱۳، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

جاوید، محمد جواد، (۱۳۸۸). *نظریه نسبت در حقوق شهروندی: تحلیلی مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی*، نشر گرایش، تهران. چاپ اول.

جلالی فراهانی، امیرحسین، (۱۳۸۶). *مزیت‌ها و محدودیت‌های فضای سایبری در حوزه آزادی بیان و آزادی اطلاعات و حریم خصوصی*. مجله حقوقی دادگستر، (۵۹).

جم و دیگران، (۱۳۹۰). *آئین تصمیم‌گیری در حقوق‌اداری*، انتشارات خرسندی، تهران.

جمال سرشت، محمد فؤاد، (۱۳۸۴). *WSIS در رسانه ملی فراموش شد*، روزنامه هموطن، سه شنبه ۲۹ آذر.

جمالی حمیدرضا، (۱۳۹۰). *میراث مشترک بشریت*، جلد دوم: کاربرد آن در حقوق بین‌الملل، انتشارات فرهنگ شناسی، تهران، چاپ اول.

حبیبی، محمدحسن، (۱۳۸۳). *بررسی حق آگاهی مردم به‌عنوان یک حق اساسی*، نشریه حقوق اساسی، (۱).

دانایی، حسین، (۱۳۹۰). *استراتژی مبارزه با فساد*، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، (۹)، ۲.

دوگی، لئون، (۱۳۹۳). *دروس حقوق عمومی*، ترجمه و توضیحات ویژه، محمدرضا، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم، تابستان.

دولت شاه، حجت، (۱۳۸۸). *منشور سازمان ملل متحد*، انتشارات مجد، تهران.

دورژه، موريس، (۱۳۶۷). *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه، قاضی شریعت پناهی، سیدابوالفضل، چاپ دوم، انتشارات میزان، تهران.

رهائی، سعید، (۱۳۸۹). *آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل*، انتشارات دانشگاه مفید، قم، چاپ اول.

سازمان ملل متحد، (۱۳۸۳). *اعلامیه هزاره*، انتشارات مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد تهران، دفتر هماهنگ کننده فعالیت‌های نظام ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم.

شایگان، فریده، طارم سری، مسعود، گلشن پژوه، محمدرضا، مستقیمی، بهرام و مولایی، یوسف، زیر نظر جمشید ممتاز، (۱۳۸۲). *تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر*، انتشارات دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.

شریعتی، منصور، (۱۳۹۴). *آزادی اطلاعات و نقش آن در گسترش حقوق بشر* (پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، تابستان).

صدقی، عبدالله، (۱۳۹۲). *ارزیابی قانون انتشار و دسترسی به اطلاعات در پرتو اصول آزادی اطلاعات*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران..

فیرحی، داود، (۱۳۹۹). مفهوم قانون در ایران معاصر «تحولات پیشا مشروطه»، انتشارات نی، چاپ دوم، تهران.

قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، (۱۳۹۶). حقوق بشر در جهان معاصر دفتر اول، درآمدی بر مباحث نظری؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، انتشارات، نگاه معاصر، چاپ پنجم، تهران.

قاری، سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۹۶). حقوق بشر معاصر، دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی در حق‌ها و آزادی‌ها، چاپ پنجم، انتشارات نگاه معاصر، تهران.

قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، (۱۳۹۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ سیزدهم، نشر میزان، تهران.

قاضی، سید ابوالفضل، (۱۳۷۳). بایسته‌های حقوق اساسی، نشر یلدا، تهران.

قاضی «شریعت پناهی»، سید ابوالفضل، (۱۳۹۳). بایسته‌های حقوق اساسی، میزان، چاپ پنجاه، تهران. کاشیان، علی رضا، شریفی، احمد و جلالی فراهانی، امیر حسین، (۱۳۸۴). راهبری اینترنت با مشارکت فراگیر دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی.

کدخدایی، عباس، (۱۳۷۹). پنخس مستقیم برنامه های ماهواره ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل، انتشارات شهر دانش، تهران.

کلن، جانسون، (۱۳۷۸). حقوق بشر و تاریخچه آن، مترجم، محمد جعفر پوینده، نشر نی، تهران.

کوهن، کارل، (۱۳۷۸). دموکراسی، مترجم، فریبرز مجیدی، انتشارات خوارزمی، تهران.

مجله، (۱۳۷۲). «گردون» شماره‌های شهریور و مهرماه.

معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۸۸). حقوق ارتباطات، دین و رسانه. (۱۷)

مهرابی، فهیمه، (۱۳۹۱). سیاست جنایی ایران در قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، تابستان.

مهرپور، حسین، (۱۳۹۲). نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ پنجم.

ویژه، محمدرضا و طاهری، آزاده سادات، (۱۳۹۰). تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتو اصول حاکم بر دسترسی به اطلاعات، پژوهش حقوق، (۳۵).

هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، تهران چاپ اول.

Calling of an international conference on freedom of information (Resolutions Adopted by The General Assembly During Its first Session, No. 59(1), Retri July 22, From, <http://daccess-ads-ny-un.org>.

Council of Europe convention on Access to official: <http://www.conventions.coe.int/treaty/commun/cherchsing.asp?Nt=8Df=3/05/2014d=ENG>
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1400/9/4>

Right to information, Birkinshaw, (2014). patrik, freedom of information (The Law, the practice and The Ideal), cambridge university press, fourth Edition.